**چرا هر بار که فشار بر جمهوری اسلامی زیاد میشود، جمعی خواسته یا ناخواسته سپر بلای استبداد میشودند؟**

"بیانیه ۲۲۵ نفر از فعالان سیاسی و مدنی داخل و خارج از کشور1" و "زیگزاگ زنی" و آدرس "غلط" دادن به خواننده آن، مرا به نوشتن این یاداشت واداشت. اینگونه تصور میشود، جمعی با گرایشهای سیاسی متفاوت، توافق سیاسی کردند تا مطلبی را "سر هم" کنند تا پیامی را به گوش دیگران برسانند. هر کدام بدنبال درج مطلب خودشان بوده از اینرو در یک پارگراف"تند" رفتد" و در پارگرافی دیگر "کم گفتند".

پیام شان این است، اگر بصورت خلاصه بتوانم برایتان بیان کنم، "از مذاکره بدون قید و شرط کسی ضرر ندیده. لطفا جهانیان به دولتهای ایران و آمریکا بگویید که با هم مذاکره کنند تا انسانهای بی گناه در این میان ازبین نروند. ولی این تنها پیام این بیانیه نیست. مطالب دیگری هم هست؛ تحریف واقعیتها و "جاده صاف کنی" و زمینه سازی "نرمش قهرمانانه" دیگر برای آقای خامنه ای و شرکا هم هست!

من به عنوان یک ایرانی و به عنوان یک فعال سیاسی که تا کنون در اعتراض به جنگ در منطقه خاورمیانه، بویژه احتمال جنگ با ایران با برپایی همایشهای مختلف در مقابل سفارت آمریکا در لندن به مقابل به جنگ افروزان پرداختم، بیانیه 225 فعال سیاسی و مدنی را نقد و آنرا تحریف واقعیتها و دادن آدرس غلط به خوانندگان مطلب میخوانم.

اجازه دهید که دو مطلب را پیش از هر چیز دیگر روشن کنم. یکی اینکه معتقدم که هر فردی و نهادی میتواند، هر درخواستی که باورمند است و نظری را که دارد با آزادی کامل بیان و آن را هم نشر دهد. دوم آنکه، امضا کنندگان محترم بیان کردند که آنان " فعالان سیاسی و مدنی با گرایش‌های مختلف" هستند و با امضا کردن این بیانیه، به یک تفاهم مشترک سیاسی رسیده اند. همین تفاهم مشترک خود جای "شکر" دارد، که بالاخر ما شاهد بودیم که جمعی بر سر مسئله ای همصدا شدند. امیدوارم هر چه زودتر تعداد بیشتری از فعالان سیاسی و مدنی با تفاهم بتوانند بر اساس اصول "دموکراتیک" و "واقعیتها" راهکارهای مناسبی در جهت برقراری دموکراسی در کشور سندی را به امضا برسانند.

اما چرا به نقد این بیانیه که حداقل ارزش جمع شدن 225 هموطن با نگرشهای مختلف سیاسی، از استمرار طلبان تا چپهای ضد امپریالیزم، را داشت ،پرداخته ام. دلیل اش درخواست خودشان و محتوای غیر واقعی نوشته شان بود. آنان خواستند که **"... مردم ایران و فعالان سیاسی و مدنی با احساس مسئولیت خطیر ملی «مذاکره بی قید وشرط» را به هر شکلی که می‌توانند به حکومتگران دو کشور اعلام و ترغیب کنند".** من به عنوان یک ایرانی و به عنوان یک فعال سیاسی که تا کنون در اعتراض به جنگ در منطقه خاورمیانه، بویژه احتمال جنگ با ایران با برپایی همایشهای مختلف در مقابل سفارت امریکا در لندن به مقابل به جنگ افروزان پرداختم، بیانیه 225 فعال سیاسی و مدنی را نقد و آنرا تحریف واقعیتها و دادن آدرس غلط به خوانندگان مطلب میدانم و از اینرو آنرا نقد میکنم.

نقدم را در دو قسمت تنظیم میکنم که مطلبم روشنتر بیان شده باشد. اولین قسمت خود بیانیه است که باید انرا باز تر کرد و یا بصورت مشخصی نکات مطرح شده انرا مورد بررسی قرار داد. دومین قسمت به "کلی گفته ها" و جزییات ناگفته آن اختصاص داده ام.

**مشخص کردن نکات بیانیه**

این بیانیه نکات بسیار خوبی را در خود دارد که یکی از آنها همین 225 فعال سیاسی و مدنی است که راضی شدند نامشان پای یک سند سیاسی بیاید، دست شان درد نکند. از این نکته که بگذاریم؛ جان کلام آنان را در جمله زیر میخوانیم که مینویسند؛

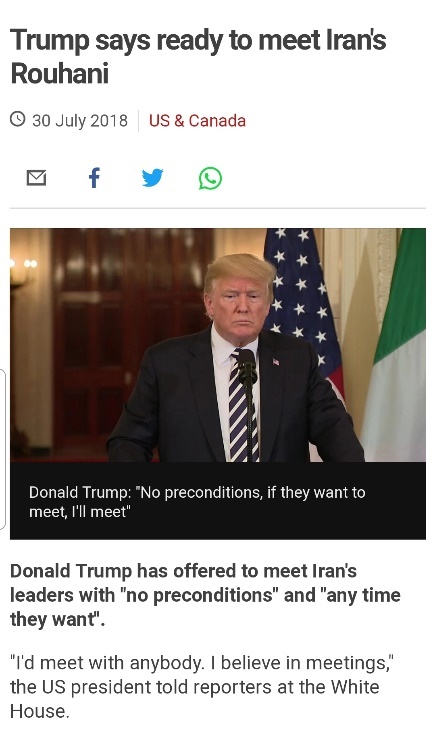
" **«مذاکره» تسلیم نیست؛ از میانجیگری استقبال و با آمریکا مذاکرۀ «بی‌قید و شرط» کنید!".**

پیام روشن است، سران جمهوری اسلامی، شما تسلیم آمریکا نمیشوید اگر با آنها مذاکره کنید، میانجیگری نخست وزیر ژاپن را بپذیرید تاعاقبت بخیر شوید! پندی است که امضا کنندگان به آقای خامنه ای و شرکا میدهند. البته منافعی هم برای ملت ایران از این پندی که به آقای خامنه ای و شرکا داده اند نیز بر میشمارند و درست و بجا هم بیان میکنند.

در قسمت بعد این بیانیه میآورند؛

**"ما شاهد کارشکنی در روند دیپلماسی و تحریک جنگ افروزانی در دولت آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای منطقه مانند عربستان به موازات تندروهای داخل ایران و برخی اپوزیسیون همگام با دولت آمریکا هستیم که مرتبا در تنوری که می‌خواهند نان جنگ بپزند، هیزم می‌ریزند. خروج زورمدارانه و یکجانبه دولت آمریکا از توافق برجام و برخی دیگر از معاهدات بین المللی و اعمال سیاستهای سیادت طلبانه و واپسگرایانه، نظم جهانی را به قانون جنگل نزدیک کرده است.".**

در این قسمت از بیانیه است که آنان زیگزاگ رفتند و واقعیتها را نادیده گرفتند! دولت ترامپ و شخص خود ترامپ در چندین مصاحبه و پیامهای تیوتتریش اعلام کرد که خواهان مذاکره بدون قید و شرط با ایران است، به اضافه چند پیام مهم دیگر که تصویری از آنها را در زیر برای توجه تان آورده ام.



بدون هیچ تردیدی، دولت آمریکا درخواست کننده مذاکرات بدون قید و شرط بوده و برای جذب طرف مقابل اعلام کرده که "ما بدنبال تغییر رژیم در ایران نیستیم". حتی ترامپ برای رفع ابهام در مصاحبه اش با خبرنگاران میگویند که " میخواهد رابطه خوبی با همه کشورها از جمله ایران داشته باشم". امضا کنندگان بیانیه میتوانستند بمانند جمهوری اسلامی بگویند و بنویسند که " **به سخنان دولت و شخص ترامپ باورمند نیستند"!** اگر چنین مینوشتند آنوقت خود را دچار تناقض گوئی میکردند، اما بهتر از ان بود که به رد واقعیتهای موجود دست بزنند. از سوی دیگر، اگر آنان به وعده های دولت ترامپ بصورت جدی نگاه نمیکنند و بر اساس این دید، از تمامی مردم جهان و ... درخواست کرده اند که دو دولت ایران و آمریکا را ترغیب نمایند تا به مذاکره بدون قید و شرط بنشینند، آنوقت آنان دچار " یک هوا و دو بام" میشدند. یعنی آقای خامنه ای و شرکاء حتی تا این حد، یعنی همین بیان ساده که مایل به مذاکره بدون قید و شرط هستند، نشده اند. چرا این دوستان بصورت روشن بیان نکردن که " **جناب آقای خامنه ای و شرکاء، لطفا دعوت دولت امریکا برای مذاکره بدون قید و شرط را بپذیرید و ملت شوربختمان را از این که هستند بدبخت تر نکنید**"؟ امیدوارم امضا کنندگان بیانیه پاسخگو باشند! اما ظاهر امر اینگونه است که آنان قصد دیگری از صدور بیانیه بر اساس رد واقعیتهای موجود داشته اند.

**ببینید که چند تن از آنان در اشغال سفارت امریکا دست داشتند و یا در تایید آن از همدیگر سبقت میگرفتند. آخر چگونه انان میتوانند از نجات ایران و ایرانی سخن برانند وقتی که باعث استیلاء استبداد دینی و حاصل کژکرداریشان همین شرایطی است که در حال حاضر گریبان ملت را گرفته است؟**

در همین قسمت از بیانیه آمده است؛ "... **موازات تندروهای داخل ایران و برخی اپوزیسیون همگام با دولت آمریکا هستیم که مرتبا در تنوری که می‌خواهند نان جنگ بپزند، هیزم می‌ریزند.".** آخر این تندروهای که ازشان نامه میبرند چه کسانی هستند؟ این 225 فعال سیاسی و مدنی شرمشان میشود یا بگونه ای خجالت میکشند که بنویسند آنان چه کسانی هستند! اگر منظورشان سرداران و رهبران سیاسی و آیت الله مفتخور است که، گرامیان آنان که جنگ افروزان اصلی این ماجراها هستند! چرا از کلمه تندروها استفاده میکنید؟ این کلمه که معرف کننده جنگ افروزان، که همان آقای خامنه ای و شرکایش است، نیست. شما با هر منطقی هم به آنان نگاه میکردید نمیتوانستید آنان را "تندروها" بخوانید، آنان حاکمان ایران هستند!

این نشان دهنده ریشه مشکل اصلی این بیانیه است، تحریف واقعیتها یا انکار آنها. توجه بفرمایید به بند بعدی، " ... **برخی اپوزیسیون همگام با دولت آمریکا ...** "، از 7.50 میلیون ایرانی در خارج از کشور و بخش بزرگ مخالفان داخل کشور، چند درصد از براندازان/سرنگون طلبان یا آنانی که برای نابودی این نظام در تلاش هستند، آنان میتوانند نام ببرند که چنین درخواستی داشته اند؟ تازه اگر هم درصدش را بیان کنند، چرا این تعداد اندک را چماق میکنید تا بتوانید منظور سیاسی خود را پیشببرید؟ شما بگویید که میخواهید به جمهوری اسلامی خط دهید، و به آنان بگویید که دعوت مذاکره بدون قید و شرط ترامپ را بپذیرد و نرمش قهرمانانه دیگری را هم بزند. آنوقت من و امثال من نمیتوانستیم بگوییم که شما در بیانیه تان تحریف و انکار واقعیتها را کرده اید.

اگر مشکل شما و درد واقعی شما ترس از مرگ انسانهای بی گناه ونابودی کشور است، که امیدوارم همینگونه باشد، پس چرا به مردم و فعالین و صلح دوستان جهان نگفتید که "**دنیا بیائید به داد ملت ایران برسید، آدم کشان در ایران بر مردمش چیره شده اند و حاضر نیستند که دعوت به مذاکره بدون قید وشرط دولت ترامپ را بپذیرند**! شما که چنین نکردید ولی این حق را برای خود قائل شدید که از جهانیان درخواستی بکنید، پس چرا همین حق را برای دیگرانی که از ترامپ درخواست دیگری میکنند قائل نمیشوید؟ چطور آقای خمینی از امریکا برای سرنگونی حکومت محمدرضا شاه میتواند کمک بگیرد، اما اگر دیگران بخواهند کمک بگیرند آتان نوکران اجنبی خواهند شد؟ چرا اینان نمیتوانند به آمریکا بگویند که " **انچه را که آوردید، لطفا خودتان بیاید و بردارید!**". چرا همیشه یک بام و دو هوا؟ البته لازم میدانم این نکته را در اینجا روشن کنم که من باورمند به تغییر نظام حاکم بدست ملت بزرگ ایران هستم و هرگز خواهان دخالتهای قدرتهای بزرگ در کشور عزیزمان نبوده و نیستم. اما استدلال جمعی از چپهای ضد امپریالیز و لابیهای جمهوری اسلامی مرا بر آن داشت تا منطق آنان را در اینجا به زیر سوال ببرم.

واقعیت این است که این بیانیه یک بخشش، تصویه حساب سیاسی است با آنانی که براندازند. اما با این ترفندها و انکار واقعیتها، آنان نمیتوانند حرف اکثریت براندازان را تحریف کنند؛ جمهوری اسلامی یک نظام ادم کش، تروریست و بی کفایت است و باید به زباله دان تاریخ برای همیشه سپرده شود. شما در بین این براندازانی که اینچنین هدفی را دنبال میکنند، نام 100 نفر از آنانرا که خواهان حمله نظامی امریکا به ایران باشند بیاورید و به مردم معرفی کنید. بگذارید خود مردم تکلیفشان را با انها روشن کنند.

عملکرد تمام قبیله استمرار طلبان و چپهای ضد امپریالیز بعد از 30 سال بخوبی نشان داده که هدفشان حفظ نظام است نه حفظ منافع ملی. لازم نیست جای دوری برویم به همین نامهائی که در زیر همین بیانیه آمده است توجه کنید و سابقه آنان را در ترویج استراتژی "انتخاب بین بد و بدتر" بیابید. ببینید که چند تن از آنان در همان صبح "انقلاب" نوشتند که "ضد انقلاب را به دادگاه های انقلاب معرفی کنید". ببینید که چند تن از آنان خواهان تقویت سپاه پاسداران بودند. ببینید که چند تن از آنان در اشغال سفارت آمریکا دست داشتند و یا در تایید آن از همدیگر سبقت میگرفتند. آخر چگونه میتوانند از نجات ایران و ایرانی سخن برانند وقتی که باعث استیلاء استبداد دینی و حاصل کژکرداریشان همین شرایطی است که در حال حاضر گریبان ملت را گرفته است؟ چگونه چماقی بدست میگیرند و بر سر این و آن میکوبند و انان را "... **اپوزیسیون همگام با دولت آمریکا ...نان جنگ [بپز] ...، هیزم [بریز]‌..."** خطاب میکنندو صد آدرس غلط میدهند و ماهیت خودشان را در زیر شعارهای زیبا ولی بدور از واقعیت، پنهان میکنند.

امضا کنندگان بیانیه، خودتان توجه کنید که چه نوشته اید و چه میخواهید؛

" **ما از افکار عمومی جهان و نهادهای مستقل بین المللی می‌خواهیم که ... آنان را دعوت به مذاکره بی قید و شرط کنند**.".

چقدر در این نوشته شما تحریف وجود دارد. لطفا به عکسهای بالا نگاه کنید و خود بر انچه نوشته اید قضاوت کنید. ترامپ و دولت او اعلام کردند که خواهان مذاکره بدون قید و شرط با ایران هستند. این خامنه ای و شرکایش هستند که مذاکره را نپذیرفتند. چرا اینچنین حقایق را کتمان میکنید؟

در قسمت دیگری از این بیانیه آورده اند که؛

**نظم حاکم بر جهان ناعادلانه است. همگان آشکارا شاهد اعمال استانداردهای دوگانه در سطح جهانی به خصوص از سوی دولت آمریکا و اراده دولت این کشور برای دیکته کردن سیاستهایش نه تنها بر کشورهای منتقد و مخالف خود بلکه بر دولتهای همپیمان خویش در اروپا و دیگر نقاط جهان هستیم و زورمداری و جنگ افروزی دولت ترامپ و متحدان منطقه‌ای‌اش را به صراحت محکوم می‌کنیم . اما به همان روشنی براین باوریم که که نمی‌توان با اعمال ناعدالتی و تبعیض و فساد در داخل، با استانداردی دو گانه داعیه مبارزه با ظلم و ناعدالتی در منطقه و جهان را داشت.**

"**نظام حاکم بر جهان نا عادلانه است**"، این اگر توجیه برای تبرئه رفتارهای زشت جمهوری سلامی نباشد یقینا نکته انحرافی است. آخر این نظام جهانی کی عادلانه بوده که این دوستان چنین میفرمایند؟ کدام قدرت جهانی عادلانه رفتار کرده است که ما دست به گریبان این و آن بشویم؟ حالا ما کاسه داغتر از آش شویم و برای دولتهای اروپائی هم نگران باشیم؟ فرانسه، آلمان، بریتانیا و ... نمیدانند منافع شان کجاست و چگونه از انها دفاع کنند که امضا کنندگان بیانیه میخواهند بما و مردم آن کشورها یاد دهند که چگونه دولتی و فردی منافع آنان را نابود میکند! نظام جمهوری اسلامی کاسه داغتر از آش مردم شور بخت فلسطین شده، دیگر شما امضا کنندگان بیانیه کاسه داغتز از آش منافع اروپائیان نشوید.

توجه بیشتر بفرمایید به این نکته که میآورند؛ " ... **براین باوریم که که نمی‌توان با اعمال ناعدالتی و تبعیض و فساد در داخل، با استانداردی دو گانه داعیه مبارزه با ظلم و ناعدالتی در منطقه و جهان را داشت.** ". در واقع امضا کننده بیانیه معتقد هستند که جمهوری اسلامی؛ " ... **با اعمال ناعدالتی و تبعیض و فساد در داخل...**"، نمیتواند عملکرد خودش را در عراق، یمن، لبنان، فلسطین، سوریه و ... توجیه کند! اعمال جمهوری اسلامی فقط ناعدالتی و تبعیض و فساد نبوده بلکه جنایت، سرکوب و خفقان و نقض حقوق اولیه انسانی بوده است. آیا امضا کنندگان بیانیه نمیدانند که جمهوری اسلامی چه بلائی بر سر زندانیان سیاسی و اعتقادی آورده و میآورد؟ آیا چیز از فاجعه دهه 60 نشنیده و نمیداند و یا در تلاش است برای حفط نظام آنها را از ذهن مردم پاک کند؟ نمیشود اینچنین اقای خامنه ای و شرکا را بری از جنایتهایشان کرد و بخاطر خطر جنگ طهیرشان داد.

یکی از تفاوتهای بنیادین بین امضا کنندگان بیانیه و تحول خواهان و براندازان در همین نکته بالاست، یعنی آنان، استمرار طلبان و چپهای ضد امپریالیز، همت در حفظ نظام نهادند ولی دسته دوم بر نابودی و جایگزین کردن آن با یک حکومت دموکراتیک ملی قد علم کرده اند. امضا کنندگان بیانیه بر این باور هستند که؛

**" بهترین طریق «نه» گفتن به جنگ، «آری» گفتن به دموکراسی و همبستگی ملی و رفع تبعیض در داخل است."**

انان امیدوار به این هستند که با تغییر رفتار و اصلاح نظام جمهوری اسلامی، خطر بحرانهای جهانی، تحریمها و جنگ های احتمالی بین ایران و امریکا یا ایران و عربستان و ... رفع خواهد شد. این در حالی است که گروه دوم بر این باور هستند که تا زمانی که جمهوری اسلامی پا برجاست، شرایط زندگی ملت ایران بد تر خواهد شد. تا زمانی که جمهوری اسلامی حاکم بر ایران است و امثال آقای خامنه ای و شرکا بر مملکت و ملت حکفرمایی میکنند بحرنهای جهانی، محیط زیستی، مصیبتهای طبیعی و غیره طبیعی ، خطر جنگ، دزدیها و اختلاسها و ... پایان نخواهد یافت.

**نکات برجسته این قسمت**

نمیتوان با نادیده گرفتن واقعیتها و آرزومندی به اصلاح رفتار نظام، درخواست "صلح دوستی" داد! آقای ترامپ درخواست کننده مذاکرات بدون قید و شرط بین ایران و آمریکا بوده و برای حس نیت حتی اعلام کرده است که مایل به برقراری روابط دوستان با همه کشورها از جمله ایران است. اینکه دولت ترامپ تا چه حدی جدید است نامعلوم است. اما این شک و تردید را "شاگردان آیت الله خمینی" نمیتوانند به زبان بیاورند تا بر اساس آن جمهوری اسلامی را تطهیر کنند. چرا که "امام شیعیان جهان" خود اعتراف کرده که "خدعه گر" بوده و به مردم ایران دروغ گفته است تا سیاستهای ضد انسانی و ضد ملی خودش را پیاده نماید. پس اگر دولتی و یا فردی، میباید اول "درستگوئی" یا "حسن نیتش" را در مورد "مذاکرات بدون قید و شرط" ثابت کند شاگردان خمینی و دولت ایران خواهند بود. اما متاسفانه تعدادی از شاگردان خمینی که در جمع امضا کنندگان هستند، فراموششان شده که این نکته را به دیگران یادآوری کنند. این فراموشکاری و یا سابقه همکاری با نظام جنایتکار تنها دلیل رد و نقد بیانیه درخواست کنندگان نیست. منطق غلط درخواست کنندگان که از فعالان و صلح دوستان جهان میخواهد که دو دولت ایران و ترامپ را به مذاکره بدون قید وشرط ترغیب نمایند به بیراهی رفته است. چرا که این دولت ترامپ بود که درخواست مذاکره بدون قید و شرط را داده بود، چه امضا کنندگان باور به سخن او داشته باشند و چه نداشته باشند، و اقای خامنه ای و شرکایش بودند که این پیشنهاد را رد کرده اند.

اگر ما، ملت بزرگ ایران، خواهان رفع تحریمها، خطر جنگ و هزاران شوربختی دیگر که بر سر مان فروریخته است را داشته باشیم، راهی جز گذار از نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی به نظام دموکراتیک ملی نداریم.

**قسمت دوم**

قسمت دوم نقدم بیشتر بر سر نکاتی است که امضا کنندگان به آنها توجه نکرده یا نادیده گرفتند.

نکته اول در خود مبحث مذاکره کردن به صرف مذاکره کردن است که نتیجه بخش بودنش جای شک دارد. سوال این است، آیا اساسا مردم شور بخت منطقه و بویژه مردم ایران ظرفیت بی نتیجه ماندن مذاکره ی را دارند؟ آیا ادامه پیدا کردن بحرانهایی نظیر همین "نه جنگ و نه صلح" در افسرده کردن مردم و گوشه نشین کردن نیروهای اپوزیسیون اثر گذار نخواهد بود؟ آیا همین امر موجب ادامه حیات نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی نخواهد شد؟ پس مذاکره به صرف مذاکره بی ارزش و حتی مشکل ساز نیز خواهد بود.

نمونه مذاکره های " بدون قید و پیش شرط" یا "مذاکره کردن به خاطر مذاکره کردن" که بدون بسترهای اولیه صورت پذیرفته است، مذاکره ترامپ و کیم-جون-اون است. اینگونه مذاکرات زمینه ساز "امید سوزی" و ایجاد یاس در بین مردم و زمینه تسلیم مردم به شرایط موجود یا بوجود آمده خواهد شد. از سوی دیگر، خود مذاکره تبدیل به صحنه بازی قدرتهای "جا مانده"، که در مثال بالا، چین و روسیه است، میشود. پس مذاکره به صرف مذاکره میتواند مشکلات دیگری را برای مردم منطقه و بویژه ملت شوربخت ایران فراهم سازد. مذاکره بدون قید و شرط یا با قید و شرط، وقتی احتمالا میتواند به موفقیت برسد که روشن و آشکار باشد و ملت بتواند ناظر و حافظ منافعش باشد. در "مذاکره بی قید و شرط" پیشنهاد شده توسط آقای ترامپ ، اصول یاد شده مشخص نشده است و سابقه نظام جمهوری اسلامی در اینگونه مذاکرات نشان داده که برای آنان حفظ نظام مسئله اصلی شان است نه منافع ملت بزرگ ایران.

آنچه ما، به عنوان بخشی از ملت ایران میتوانیم از امضا کنندگان بیانیه که از طیفهای مختلف، از استمرار طلب تا چپ های ضد امپریالیزم بپرسیم این است که؛ **چرا ما نباید** **از مردم صلح دوست و جهانیان بخواهیم که از رهبران جمهوری اسلامی درخواست کنند که دعوت به مذاکره بدون قید و شرط آقای ترامپ را بپذیرند؟** آنوقت میتوانستیم با شک کمتری باقی مطالبشان را هضم کنیم. البته این مطلب را من فقط از جهت روشن کردن منطق "نا درست" امضا کنندگان آوردم. شخصا هیچ باوری به اصلاح یا تغییر رفتار، چه در رهبران نظام یا ظرفیت ساختاری نظام ندارم.

نکته دیگری در این دو سوال است که؛ آیا این درخواست کنندگان میخواهند بگویند که نظام جمهوری اسلامی با جناحها و لایه های مختلفش، دل به وطن ندارند، که امضا کنندگان باید از جهانیان درخواست کنند که به یاد رهبران جمهوری اسلامی بیاورند که باید به فکر مملکت و ملت باشند؟ یا امضا کننده به این نتیجه رسیده اند که رهبران نظام جمهوری اسلامی توان درک صحیح از شرایط زندگی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی ملت ایران را ندارند پس باید به کمک افکار عمومی جهانیان فشار بر آنان وارد کرد تا بفهمند چه مصیبتهائی بر سر ملت آورده اند؟ آیا امضا کنندگان بیانیه به این نتیجه رسیده اند که حالا رهبران جمهوری اسلامی گوش شنوا برای درخواست آنان دارند؟ چرا؟

آنچه مسلم است، مذاکره کردن به صرف مذاکره کردن، نمیتواند مفید باشد. مطمئن هستم که بسیاری از مردم، همانهایی که از ترس جنگ خواب درست ندارند، همانهای که از فشار تحریمها کمرشان شکسته شده است، بخوبی میدانند که حاکمان جمهوری اسلامی دل به وطن نداده اند. مطمئن هستم که در مردم و اندیشمند بخوبی میدانند که جمهوری اسلامی گوش شنوا ندارد. اگر داشت که این همه زندانی و اعدام و حبس های طولانی مدت نداشتیم.

**نظام جمهوری اسلامی عامل اصلی بوجود آورنده بحرنهای منطقه ای و داخلی است و با همین بحرنها است که توانسته است ادامه حیات بدهد. برای رفع بحرنها، خطر جنگ و هزاران مصیبتی که بر سر ملت ایران خراب شده است، باید از جمهوری اسلامی گذار کرد و بسترهای نظام دموکرتیک ملی را با همیاری و همدلی تمامی ایرانیان دلسوز ساخت.**

چرا ما باید چنین درخواستی را بکنیم؟ و چرا چنین گنگ و نه واضح؟ ساده تر بیان کنم، می نویسند که؛ "**ما از افکار عمومی جهان و نهادهای مستقل بین المللی می‌خواهیم که سردمداران دو کشور را به کاهش تنش بخوانند و آنان را دعوت به مذاکره بی قید و شرط کنند**.". همزمان بیانیه میکنید که؛ " **نظم حاکم بر جهان ناعادلانه است**.". انان در بیانیه‌شان، بصورت روشن مینویسند که آقای ترامپ و آقای خامنه‌ای و دیگر شرکای حاکم بر ایران را باید صلح دوستان جهان و دیگر نیروهای دموکراتیک دعوت به مذاکره "بدون قید و شرط" کنند. اما بیان نمیکنند که آقای ترامپ با آن ماشین عظیم نظامیش و با آن وزن سنگین اقتصادیش قبل از اینکه اینان بیانیه صادر کنند، اعلام کرده است که؛ حاضر است بدون قید و شرطی و در هر کجا با مقامات ایرانی مذاکره کند! در واقع این آقای خامنه‌ای و شرکا هستند که مذاکره کردن یا نکردن را "ناموسی" کرده و از انجام آن سر باز میزند!

چرا اینچنین این واقعیت را واژگونه بیان و نشان دادند، من نمیدانم. اما بهتر میبود که مینوشتند، 《 **ما از مردم و نهادهای صلح دوست درخواست میکنم که به دولتمردان جمهوری اسلامی فشار وارد کنند تا به مذاکره بدون قید و شرط تن دهند**! 》. چرا ننوشتند باید از آنان سوال کرد ولی انچه مسلم است حق مطلب را ادا نکردند.

به دو دلیل مهم ما، مردم ایران، به این درخواست و اینگونه روندهای میباید توجه کافی و لازم را بنمائیم؛

اول انکه بدانیم این نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی است که ملت بزرگ ایران را در این مصیبت و مصیبتهای قبلی دچار کرده و متاسفانه بعد از این هم خواهد کرد. نه "بی‌عدالتی جهانی" و نه "زورگویی دولت آمریکا" نقش چندانی در بوجود آوردن مصیبتها خراب شده بر سر ملت نداشته یا لااقل آنقدر عظیم نبوده است.

دومی دلیل که از بعضی جهات مهمتر از اولی است، زمینه سازی "نرمش قهرمانه" دیگر است تحت نام ملت. که در آن مردم ایران مسئول "باخت قماربازی های" خامنه‌ای و شرکایش میشوند. به نوعی اینگونه بیانیه ها زمینه فکری مردم را برای قبول محصول نهائی بی کفایتی خامنه ای و شرکا را فراهم میسازد و اینگونه در ذهن مردم جا میاندازد که؛ **فشار مردم و "خواهش" این و آن بود که این "نرمش قهرمانانه" را بر "آقا" تحمیل کرد! آقا قصد داشت در مقابل امریکای جهانخوار نه ایستد، اما بعضی از مردم و رجال ترسیدند و پشت آقا را خالی کردند. وگرنه، آقا خامنه‌ای و شرکایش عقب نشینی نمی کرد!**

درست بمانند بازی برجام. تمام تفهمات و مذاکرات زیر نظر شخص آقای خامنه ای و شرکا صورت پذیرفته بود. اما تا توانستند، بین قبول و رد برجام و چه کسی مسئول عقد آن بود بند بازی کردند. اینگونه بندبازی ها از این جهت است تا اقتدار "آقا" و نظام حفظ شود و پاسخگوی این سوال که چرا ملت باید چنین خسارات هائی سنگینی را متحمل شود، نباشد. از سوی دیگر دارو دسته مداحان دربار خامنه‌ای و شرکایش یک داستان بمانند داستانهای "کربلا" و "کوفه" در مظلومیت "آقا" سر میدهند و "آقا" را مظلوم تر هر مظلومی ترسیم میکنند تا بجائی اینکه ملت از این دارودسته طلبکار باشد آنان طلبکار میشوند!

چرا ما باید سپر بلا و مسئول "حماقتهای" نظام باشیم؟ از سوی دیگر جمهوری اسلامی ثابت کرده است که صدای ناله های 80,000,000 انسان را نمیشنود و نه میبیند، آیا خامنه ای و شرکا با دیدن بیانیه 225 تن هم بینا میشود و هم شنوا؟

از اینکه هموطنان دلسوزی داریم و نگران جنگ و نابودی ایران هستند، باید هم ‌خوشحال بود، هم قدردان. اما آیا امضا کنندگان این بیانیه میدانند که ممکن است آنان "جاده صافکن" بیت رهبری شوند؟ این بیاینه، بی کفایتی و جنایتکاری های آقای خامنه ای و شرکا را به گردن "**جهان ناعادلانه** "، " **زورمداری و جنگ افروزی دولت ترامپ " میاندازد. این بیانیه، بجای معرفی عامل اصلی این تشنجات و بحرانها** که جمهوری اسلامی است، با دادن آدرس غلط ادامه حیات جمهوری اسلامی را همچون پروژه استمرار طلبان امکان پذیر میکند.

**در پایان**

صدور این بیانیه با ابهاماتی که دارد و دادن آدرس غلط، نه به جلوگیری از جنگ کمک میکند و نه باعث و یا ترغیب جمهوری اسلامی به مذاکره با آمریکا میشود. آنچه مسلم است، امضا کنندگان بیانیه واقعیتها را ندیدند و به خوانندگان مطلبشان آدرس غلط داده اند. نظام جمهوری اسلامی عامل اصلی بوجود آورنده بحرانهای منطقه ای و داخلی است و با همین بحرنها است که توانسته است ادامه حیات بدهد. برای رفع بحرانها، خطر جنگ و هزاران مصیبتی که بر سر ملت ایران خراب شده است، باید از جمهوری اسلامی گذار کرد و بسترهای نظام دموکرتیک ملی را با همیاری و همدلی تمامی ایرانیان دلسوز ساخت.

پایند و سر بلند باد ملت بزرگ ایران.

اکبر کریمیان

12/06/2019

**1- متن کامل بیانیه**

**بیانیه ۲۲۵ نفر از فعالان سیاسی و مدنی داخل و خارج از کشور**

با آمریکا «بی‌قید و شرط» مذاکره کنید!

«مذاکره» تسلیم نیست. نفس گفتگو واجد هیچ معنای منفی نیست. طرح میانجی گری ژاپن فرصت مناسبی برای تحقق این امر پدیده آورده که نباید این فرصت از دست برود. بهترین طریق «نه» گفتن به جنگ، «آری» گفتن به دموکراسی و همبستگی ملی و رفع تبعیض در داخل کشور است.

«مذاکره» تسلیم نیست؛ از میانجیگری استقبال و با آمریکا مذاکرۀ «بی‌قید و شرط» کنید!

مردم ایران اینک هم زیر فشار طاقت فرسای فقر، بیکاری و هزینه‌های فزاینده زندگی رنج می‌برند و هم به شدت نگران شعله ور شدن جنگ اند. مردم کشورهای همسایه نیز در این بیم و نگرانی شریک اند. همگان می‌دانند وقتی دیپلماسی به پایان می‌رسد جنگ آغاز می‌شود. مردمان این منطقه خاطرات بسیار تلخی از جنگ، ویرانی و تبعات اقتصادی و اجتماعی و انسانی آن دارند. حوزه خلیج فارس در ماه اخیر به سان انبار باروتی در آمده است که اندک جرقه‌ای بتواند در آن شعله‌ای بیافروزد.

ما جمعی از فعالان سیاسی و مدنی با گرایش‌های مختلف قبل از هر چیز از بن بست دیپلماسی و آغاز جنگی ویرانگر که پیش و بیش از هر چیز باعث مرگ هزاران نفر از هموطنان مان و آسیب دیدگی و احیانا آواره شدن صدها هزار نفر از آنان شده و زیرساختهای اقتصادی کشور ما را نابود خواهد نمود، احساس نگرانی می‌کنیم.

ما شاهد کارشکنی در روند دیپلماسی و تحریک جنگ افروزانی در دولت آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای منطقه مانند عربستان به موازات تندروهای داخل ایران و برخی اپوزیسیون همگام با دولت آمریکا هستیم که مرتبا در تنوری که می‌خواهند نان جنگ بپزند، هیزم می‌ریزند. خروج زورمدارانه و یکجانبه دولت آمریکا از توافق برجام و برخی دیگر از معاهدات بین المللی و اعمال سیاستهای سیادت طلبانه و واپسگرایانه، نظم جهانی را به قانون جنگل نزدیک کرده است.

ما از افکار عمومی جهان و نهادهای مستقل بین المللی می‌خواهیم که سردمداران دو کشور را به کاهش تنش بخوانند و آنان را دعوت به مذاکره بی قید و شرط کنند.

«مذاکره» تسلیم نیست. نفس گفتگو واجد هیچ معنای منفی نیست. مذاکره بی قید و شرط طرفین یک نزاع می‌تواند اهداف مختلفی داشته باشد. از جمله مدیریت بحران، جلوگیری از جنگ‌های ناخواسته، ارزیابی واقعی اهداف طرف مقابل بدون واسطه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای و رجزخوانی‌های از راه دور، تنش زدایی، بازی با کارت‌های واقعا موجود و... و در صورت امکان حل و فصل آن دسته از اختلافاتی که هزینه کمتری برای دو طرف دارند و در نهایت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات. در مورد مشخص ایران نیز همانگونه که قبلا هم دلسوزان مردم و میهن بارها یادآوری کرده‌اند این مذاکرات می‌تواند با پایداری و صرفا از موضع حفظ منافع ملی (نه بلندپروازی‌های بی پشتوانه) دنبال شود. ضمن آنکه راه بازگشت همیشه باز است. رویگردانی از مذاکره به قدرت‌های دیگر امکان می‌دهد که با کارت حکومت ایران به سود منافع خویش و به زیان منافع ملت ایران بازی کنند.

اکنون با طرح میانجی گری ژاپن فرصت مناسبی برای تحقق این امر پدیده آمده است که نباید این فرصت از دست برود.

نظم حاکم بر جهان ناعادلانه است. همگان آشکارا شاهد اعمال استانداردهای دوگانه در سطح جهانی به خصوص از سوی دولت آمریکا و اراده دولت این کشور برای دیکته کردن سیاستهایش نه تنها بر کشورهای منتقد و مخالف خود بلکه بر دولتهای همپیمان خویش در اروپا و دیگر نقاط جهان هستیم و زورمداری و جنگ افروزی دولت ترامپ و متحدان منطقه‌ای‌اش را به صراحت محکوم می‌کنیم . اما به همان روشنی براین باوریم که که نمی‌توان با اعمال ناعدالتی و تبعیض و فساد در داخل، با استانداردی دو گانه داعیه مبارزه با ظلم و ناعدالتی در منطقه و جهان را داشت. بر همین اساس معتقدیم سیاست خارجی‌ای که حکومت ایران به ویژه در منطقه در پیش گرفته باید به صورت ساختاری تغییر کند. همین رویکرد نادرست است که زمینه را برای زیاده خواهی قدرت‌های سیادت طلب جهانی برای تهدید زندگی روزمره اقتصادی مردم ایران و وضعیت مخاطره آمیز کنونی و خطر درگیری نظامی فراهم آورده است.

این سیاست باید از داعیه‌های جهانی و منطقه‌ای به حوزه ملی تغییر یابد. نگاه گشایشگری سیاسی و توسعه گرایی اقتصادی جایگزین نگاه عقیدتی و امنیتی شود. دفاع از «منافع ملی» باید سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گیرد.

تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و همبستگی ملی در داخل بر هر امر بیرونی اولویت دارد. پذیرش حق فعالیت آزادانه و مسالمت آمیز احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی و مدنی در داخل و رفع تبعیض سیاسی، طبقاتی، جنسیتی، مذهبی و اتنیکی مهمترین و ملی ترین راه برای تقویت امنیت ملی و حراست از مرز و بوم ملک و ملت در برابر گزند خارجی است.

بهترین طریق «نه» گفتن به جنگ، «آری» گفتن به دموکراسی و همبستگی ملی و رفع تبعیض در داخل است.

ما معتقدیم سیاست خارجی کشور باید با رضایت، رای و تمایل اکثریت مردم ایران مشخص و مدیریت شود. بخش زیادی از مردم ایران بارها و از جمله در چند انتخابات گرایش و نظر خویش را برای تنش زدایی با جهان و منطقه اعلام کرده اند. حکومتگران نمی‌توانند و نباید نظر خویش را که اکثریت ملت ایران مخالف آن هستند، مبنای سیاست خارجی قرار دهند. مراجعه مستقیم به افکار و آراء عمومی می تواند اين امر را تائيد کند.

بر این اساس ما هم مردم ایران و هم افکار عمومی جهانی و نهادهای بی طرف و مستقل بین المللی را مورد خطاب قرار داده و از همگی میخواهیم با احساس نگرانی از جنگ، طرفین را به مذاکره بی قید و شرط فرا بخوانند.

خواست ما آن است که مردم ایران و فعالان سیاسی و مدنی با احساس مسئولیت خطیر ملی «مذاکره بی قید وشرط» را به هر شکلی که می‌توانند به حکومتگران دو کشور اعلام و ترغیب کنند.

ما به سان دیگر ملت‌های جهان مردمی صلح جو هستیم. خواهان تنش زدایی در منطقه و جهان ایم. فرهنگ کهن ما نشان داده است که نوع دوست و انسان دوست هستیم و نه زیر بار ظلم و زور داخلی و مباشران آن می‌رویم و نه تسلیم و پذیرای تجاوز و زورگویی کشورهای خارجی و همدستان شان می‌شویم.

اسامی امضا کنندگان بیانیه به ترتیب حروف الفبا:

ابراهیم اصغرزاده - احترام حبیبی - احمد پورمندی - احمد حميدزاده - احمد علوی - احمد کریمی حکاک - احمد مظفری - احمد‌هادوی - احمد منتظری - اسفنديار کريمی - اسماعیل ختائی - اسماعيل زرگريان - اشکان اشکان - اقدس کشوری - اکبر دوستدار - امیرساسان شرفی - امير اعتدالی - امير مهرورز - ایرج واحدی پور - آرش احدی مطلق - آرش عاشوری - آزاده کیان - آسیه امینی - آینده آزاد - بهاره هدایت - بهرام امامی - بهرام رفیعیان - بهروز بیات - بهروز خلیق - بهروز شاکرمی - بهروز کاظمی - بهزاد احمدی نیا - بیتا محمدی - بیژن افتخاری - بیژن پیرزاده - پرتو نوری علاء - پروانه آل بویه - پروانه حسینی - پروین فهیمی (اعرابی) - پروين ملک - پیمان عارف - توران همتی - جعفر قدیم خانی - جلال جلالی زاده - جلال سرفراز - جلال کيابی - جمشید خون جوش - جهانگیر محمدزاده - چهراز نیرهدا - حامد کیان - حجت سلطانی - حسن جعفری - حسن فرشتیان - حسن نیرومند - حسن یوسفی اشکوری - حسین کروبی - حسين بحيرايي - حسين کاظميان - حمیدرضا جلایی‌پور - حنانه نبوی - خالد توکلی - خدیجه مقدم - خسرو بندری - داود رمضانزاده - رحمانقلی قلی زاده - رسول بوداقی - رضا جعفریان - رضا جوشنی - رضا شیرازی - رضا علوی - رضا علیجانی - رضا مسموعی - رضوان مقدم - روحی سجادی - زهرا ربانی املشی - زهره تنکابنی - زهره حري نجف آبادي - زهره مظفری - زیبا میرحسینی - ژاله گوهری - ژاله لکنر گوهری - ژانت آفاری - ژیلا سیاسی - ژیلا موحد شریعت پناهی - سروش دباغ - سعید برزین - سعید منتظری - سعیده منتظری - سکینه حبیبی - سمیرا جمشیدی - سودابه ضیایی - سولماز ایکدر - سهراب رزاقی - سهیل اعرابی - سهیل دولتشاهی - سید محمد اولیایی فرد - سيامک سلطانی - سياوش قائنی - شمیلا زمانی - شهراد نورکجوری - شهرام فداکار - شهره سلطانپور - شیلا کلامی - صادق انشايي - صادقه شیردل - صدیقه وسمقی - طاهره غلامی نژاد - عباس صادقی - عبدالحمید معصومی تهرانی - عبدالعلی بازرگان - عبدالله ناصری - عبدالله نظری - عزيز کرملو - عصمت بهرامی - عطا محمدی - علامرضا نعمتی - علی اکبر موسوی (خوئینی) - علی تقی پور - علی حاجی قاسمی - علی شاکری - علی عراقی - علی کشتگر - علی کلائی - علی مزروعی - علی نیکجو - عماد الدین باقی - عیسی سحرخیز - غلامحسین حبیبی - فاطمه هدايت - فرحناز محمدی - فرخ نگهدار - فرود سیاوش پور - فروغ طیاری - فرهاد داودی - فرهاد فرجاد - فریدون بابائی خامنه - فریده تنکابنی - فريد اشکان - فیروز قریشی - قاسم رحمانی - کاظم علمداری - کامران امیری - کاوه داد - کبری سلیمان نژاد - کمال ارس - کورش پارسا - کیانوش راد - کیوان شکوری - گرجی مرزبان - لیدا فاضلی - لیلا ایپکچی - مازیار شکوری گیل چالان - ماندانا زندیان - مجتبی آقا محمدی - مجتبی لطفی - مجید هوشیار - مجيد سيادت - مجيد عبدالرحيم پور - محبوبه بهمنی - محبوبه عباسقلی زاده - محمد ابراهیم زاده - محمد برقعی - محمد تقی کروبی - محمد رحمانی - محمد صادق جوادی حصار - محمد معين - محمد منتظری - محمد نقی بیگ زاده - محمدجواد اکبرین - محمدرضا محمودی - محمدنور خرمى - محمود جعفری - محمود صادقپور - محمود کرد - محمود لطفی کمال - محموی سیدی - مختار عالمی - مرتضی صادقی - مزدک عبدی پور - مژگان رأفت - مسعود باستانی - مسعود شب افروز - مسعود فرشیدی - معصومه شاپوری - ملیحه محمدی - مليحه زهتاب - منصور سحرخیز - منصوره امامی - منصوره شجاعی - منظر ضرابی - منوچهر رحیمی دوراهی - منوچهر مختاری - منوچهر نوروزيان - مهدی امینی - مهدی خدایی - مهدی فتاپور - مهدی ممکن - مهدی نخل احمدی - مهدی نوربخش - مهرانگیز کار - مهرانه فاتحی - مهین فهیمی - مهین محمدی - میثم قهوه‌چیان - میرحمید عمرانی - مینا مجدزاده - ميلاد ملک - نادر تقی زاده - نادرهاشمی - ناصر آذرافروز - ناصر فهیمی - ناصر آملی - ندا بلورچی - نریمان مصطفوی - نسرین فرهادی - نور محمد امراء - نیره توحیدی - وحید فرخنده خوی -‌هادی سبحانی -‌ هایده مغیثی - هژیر عطاری - هما هودفر - یاسر میردامادی - یعقوب مشرق زمینی - یوسف رشوندی